

نویسنده دلنوشته کامبیز خاموشی 03-04-2021

دلنوشته ای پیشکش به مردم قهرمان ایران

سکوتمان برای چیست ای ایرانیان ؟

در این شب نشسته در ماتم

در این سیاهی مانده در قفس

بر این دستهای خالی از امید

بر این کینه تلخ و داغ وداعی که در دل داریم

در این شب بیداد

آیا مشت آهنینی نیست

تا بند از بندشان جدا سازد ؟

سکوتمان برای چیست ای ایرانیان ؟

بر این سکوت چهل ساله بیمناک مرگ آلود

که فریاد رنج های بی نشان یاران است

بر این مرگ بر این درد ، که رعد و برق فریاد است

بر این گزند که از شیار دستهای دژخیمان فرو میریزد

بر این خراش سخت که میکشند بر چهره غرور

بر این اندیشه های مرگبار ویرانگر -

و تند بادی که با آن دست به گریبانیم

در این هنگامه شوم شغالان و بانگ زاغان فریبکار ،

بر آسمانی که آفتابش با غبار اندوه و مهتابش به دود آلوده است ،

شراره آتشی نیست ، تا بسوزانیم بوته این دریغ ؟

بر این زالو ضفقتان پست که بس میخورند خون مردمان

بر این دژخیمان که داغ ننگ میکارند در دل زمین

بر این فرومایگان دشمن یار ،

گُرد مردی نیست تا بکارد
در دستهایمان شمشیر

و آزاده زنی که چون خورشید امید بزاید؟

دوران دیکتاتورها به پایان رسیده است

سکوتمان برای چیست ای ایرانیان؟

سکوت پیام لحظه های تباهیمان است

نباید از دل پیکار کنده شویم

باید چشم به راه سپیده

در سیاهی شب، روز را پاس بداریم

باید با چهره ای افروخته، از آتش پُر غرور سیاوشان گذر کنیم

دوران دیکتاتورها به پایان رسیده است

مهم اینست که تو برای بر خاستن آماده باشی .